

شکست معماری مدرن*

نوشتهء برنت برولین

ترجمه و نگارش مهندس حمیدرضا فرزانیار

کابل - افغانستان



* مشخصات کتابشناسی متن اصلی به صورت زیر است :

Brent C. Brolin. " Conclusion ". From *The Failure of Modern Architecture*.
London . 1971

نوشتار حاضر فصل پایانی از کتاب شکست معماری مدرن با عنوان نتیجه گیری و شامل دیدگاههایی است که نویسنده فصلهای چهارگانه پیش از آن را بر مبنای آنها تقریر کرده است .

به فصل اول کتاب شامل بحثهای نسبتاً کلی است . فصل چهارم با عنوان دو تحقیق موردی در کاربرد تفکر مدرن به ارزیابی نتایج کار معماران غرب در شهرک نوساخته چندینگر هندوستان و صنایع پایتخت یمن اختصاص دارد . در طی این فصل مولف با صراحت لهجه ، که از خصوصیات وی و بر خلاف سیره عموم منتقدان معماری در غرب است ، به نقادی پرداخته است . در مقدمه کوتاه کتاب ، برنست بر اولین هدف از نگارش آن را چنین بیان میکند :

" اندیشه این کتاب حدود هشت سال پیش شکل گرفت . در آن وقت تازه از محیط تصنعی دانشکده بیرون آمده و با دنیای واقعی روبرو شده بودم و می خواستم درسهای دانشکده را در بوته عمل بگذارم . بزودی دریافتم که آن اصول و درسها بی معنی و حتی گمراه کننده اند . کم کم این سؤال به ذهنم آمد که چطور شده است که تنها این قواعد در دانشکده های

معماری تدریس میشوند ؟ امیدوارم کتاب حاضر با ارائه چشم اندازهایی جهت پی بردن به چگونگی پیدایش این معماری ، به مردم علاقه مند و دانشجویان معماری کمک کند تا از قید احکام معماری مدرن ، که گوساله زرین زمان ما گردیده ، رهایی یابند . "

کتاب شکست معماری مدرن ، که جزو اولین آثار مدون در نقد معماری مدرن است ، یک و نیم دهه پیش به چاپ رسیده و با این حال موضوع بحث آن هنوز مطروح است . پیش از این در میان آثار ترجمه شده به فارسی ، در دو کتاب به سوی یک معماری ارگانیک از برونو زوی و پیچیدگی و تضاد در معماری از رابرت ونتوری معماری مدرن بطور ضمنی مورد نقد و تا اندازه ای رد قرار گرفته است ، اما سراسر کتاب حاضر به این کار اختصاص دارد .

این روزها معماری مدرن در غرب بیش از همه توسط آنچه که پست مدرن نامیده شده مورد تهاجم قرار میگیرد . انتخاب این مطلب جهت ترجمه از سر همفکری با جریان مذکور نیست . معماری مدرن نه اصل اینجایی داشت و نه خوشبختانه چندان در ایران حضور و گسترش یافت تا گفته شود که دیگر وقت آن سرآمده و حالا نوبت پست مدرن یعنی معماری پس از مدرن است . سنجش

پست مدرن خود مجال دیگری می خواهد اما اینقدر می توان گفت که معماری پست مدرن تحریف معماری سنتی ، و نمونه های آن کالبدهایی بی جان در مقایسه با بناهای اصیل است .

نکات و عبارتهایی از کتاب ، از جمله در مواردی که نویسنده برخی از بناهای معاصر را به عنوان نمونه های موفق معماری معرفی می کند ، مناقشه بردار است اما بر روی هم مطالب آن خواندنی است . وقتی ارکان معماری مدرن را کسی که به زادگاه همان معماری تعلق دارد به زیر سؤال میبرد و همزمان به دفاع از سنت بر میخیزد سخنش برای کسانی در این سوی دنیا شاید طنین دیگری بیابد . و البته درک و تفسیر رموز معماریهای سنتی را باید از میراثداران کنونی این معماریها انتظار داشت .

اگر چه هنوز بخش بزرگتر شهرهای ما مصون از تعرض معماری مدرن باقی مانده اما ذهن بسیاری از تحصیلکردگان معماری و نیز برنامه های آموزش در مدارس معماری ما سخت تحت تاثیر این سبک است . از این رو لازم است که بحث انتقادی وجوه گوناگون معماری مدرن در برنامه کار حرفه معماری و بخصوص حوزه نظری آن قرار بگیرد .

آزاد نیستند .
در مورد مجاز است در آنها تاثير بگذارد
انديک است . او مي تواند به ياري
نظم بي سنگ ني ريشه و سايقه نظم
بحري مادي کار اخراج کند . با طرح
ديوارها به صورت ثابت و يا
محرک هم ساختار جاوده دگرگون
نمي شود . ديگر بايد از اين پندار
دست برداشت که اگر مردم بطور
معمول پنديرند فرجه تر خواهند
شد . دست مهارتها از دو نظر
که است : ايکه ابتدا بنايي که
باستاد با محط خود توافق دارد تا
تعارفي ، و ديگر ايکه ابتدا ساختمان
او کارندي است در سازي با نحوه
زندگي استقاده کنندگان از آن تا در
ستيز .

الزامات کار کردی و یا فرورهای
زمانه می گذارند . اما آنها توجه
نمی کنند که این مسئله بیشتر مربوط
به ناکامی معماران در درک این
نکته است که مطلوبهای ایشان
بدرجات بسیارها و ارزشهای
پذيرفته شده جامعه انطباق دارند .
اینه است اگر نخواهیم با
آزادگی و ظاهر حق به جانب مدعی
چونست به علت ناشیودنی بی نظمی و
سلیقه متوسط است ، تا
جوانمردی را از این فکر محروم
نکنیم که مردم هم برای خود
برساخته ای از ریتایی شایسته و
جامعه شناسی دارند که به اندازه
موازین معماران در بر
حاج می بینند و در سودای چیزهای
مستطیله اند . این معماران در نظر
معمول به مردم عام می بیند و با مردم
ممکن است لطف کنند و با مردم
آنها می بیند نیست .
نقاشان اگر خواهند می توانند
ذهن و چشم بینندگان را روشن
خدمت بکنند و نگارشی خاص خود را

میرادف " جدید " و " مستطیلات "
شده است . گویی اگر معمار بخواهد
به جای آنکه چشمهای مردم را خیره
کند در فکر اخراج هماهنگی و کارایی
باشد پیش خود را قرار می کرده
است . اما چنین نیست . این امر
: فقط مستطیلات بیشتر در اصول است
در مورد مکان ، جانشینان متداول
ریتایی خاص معماران خواهند
شد . زیرا به جای آنکه معمار
سلیقه مدرن خود را مورد توجه
می کند که طرحی می کشد
و یا اینکه جو استیلهای
ارباب رجوع را در نظر می گیرد .
معمول این نیست که معماران با تد
بملی های قدیمی در بافت سنتی
جایا " از ساختمانهای جدید در همان
بافت بنگار می بینند ، و بعضی از
بناها البته در عین جدید بودن با
معمولان ما در پیرامون ما
از این نمونه های موفقی هست اما
مستطیلات تعداد آنها اندک است .

مورد حمایت خود قرار می‌داد ، و امروز کارخانه و شرکت به آسانی جای ارباب را گرفته و موضوع اطاعت کارگران شده اند .

معماران مدرن گرا اهمیت این واقعیت را که اکنون و آینده ریشه در گذشته دارند عمداً نادیده می‌گیرند . سنتها در طی تاریخ جهت انطباق با اوضاع جدید تعدیل شده و در عین حال آماج اصیل اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند . همواره مسئله به این صورت مطرح بوده که چگونه می‌توان وضع تازه را در قالب سنتهای موجود ریخت .

برای ما مردم غرب ، و به ویژه برای مردم آمریکا ، درک اهمیت سنت مشکل است . نگاه ما به سوی آینده است و در انتظار خوشبختی هستیم ، تا اندازه‌ای به این علت که پیشرفت را در کسوت دانش و صنعت می‌پرستیم و تصور می‌کنیم این دو می‌توانند گره از تمام مشکلات ما باز کنند . تغییر ، سنت ما شده است . در ایجاد تنوع از بیم پس افتادن تردید به دل راه نمی‌دهیم . درک ارزش استمرار برای ما دشوار است ، اما تا هنگامی که مفهوم آن مترادف تاجر نگردیده نیرویی پرتوان و سودمند است .

تغییراتی که امروزه در فرهنگهای سنتی می‌بینیم چندان وسیع نیستند و کمتر از آنچه که ما تصور

کرده‌ایم معماری را متاثر می‌کنند . در مثل ، مفهوم فضای خلوت و خصوصی کمتر دستخوش دگرگونی شده ، و این درست همان قلمروی است که معماران با آن کار دارند . معمار دو راه در پیش رو دارد : یا وضع موجود را اصلاح کند یا همه چیز را به هم بزند .

اکنون ثلث جمعیت جهان برای انطباق با تحمیل‌های فرهنگ صنعتی زیر فشار قرار دارند ، حال آنکه لازمه صنعتی شدن دست کشیدن از عاداتهای مانوس و نمادهای فرهنگی نیست . وجوهی از فرهنگهای سنتی باید در بستر جدید صنعتی خود تقویت شوند .

خوشبختانه همچنانکه ارزش سنت در حال باز شناخته شدن است ، ما فقط مجموعه دیگری از پیشداوریها را - این بار در مورد نحوه ساختمان سازی متناسب با محیط ، و یا طریق صحیح ایجاد مکان برای الگوهای رفتاری - تدوین نمی‌کنیم . فرو گذاردن این دو مسئله مهم و یا طرح نادرست آنها ، هر دو به یک اندازه زیانبار است .

بی ترس از دست دادن شخص خود باید اذعان کنیم که نظامهای ارزشی دیگری سوای نظام ارزشی مورد باور معماران وجود دارند که شایسته توجه بیشتری هستند . منظور این نیست که تنها این ارزشهای اجتماعی قابل توجهند . چیزی که هست رعایت

کمترین منزلت ارباب رجوع همسازی با ایشان را می‌طلبد . پس از تحقق این شرط معمار می‌تواند پسند شخصی خود را هم مطرح کند . گرفتاری همواره از موقعی شروع شده که معمار خواسته است فقط حرف خود را بزند . این معنی مستلزم سرکوب خلاقیت معماران نیست . با معرفتی تهذیب یافته از پیشه معماری می‌توان گستره خلاقیت را توسعه بخشید و به سئوالهایی از جمله اینکه چگونه طراح می‌تواند با استناد از ماده ، جزئیات ، بافت ، و دیگر ابزارهای حرفه‌اش مکان را معنی دار کند پاسخ داد . به هنگام ساختن هر بنا اگر معمار آنچه را که هست دستمایه آنچه که باید بشود قرار دهد می‌تواند شخص ساختمانهای مجاور آن و نیز شهر را نه تضعیف که تقویت کند . اگر هر بنای نو در همان حال که چیز تازه‌ای با خود می‌آورد مایه‌ای از گذشته به همراه داشته باشد دیگر هویت مطبوع فضاها از میان نمی‌رود .

بافتهای وسیع پیش از مدرن در شهرها زائده‌های تاریخی نیستند که ما مجبور باشیم با آنها مدارا کنیم تا روزی کلنگ تخریب بر سر آنها فرود آید و جای آنها ساختمانهایی با طرح جدید بنشینند . این بخش از شهرها گنجینه‌هایی هستند که باید با آنها پلی به سوی آینده ساخت .

تخصصهای فناورانه غرب که پیروزمند به نظر می‌رسیدند، طریقه مانوس زندگی سنتی دیگر پریده رنگ می‌نمود.

چند نسل اول مردم آمریکا هر چه را که مربوط به گذشته بود غالباً "تا توانستند به دور افکندند". اما نسلهای بعد با احساس زیان کوشیدند تا به وساطت آگاهی ناقص برجای مانده از گذشته مهارتهای جدید و رسوم گذشته را با هم آشتی دهند.

زمانی که از یمن بازگشتم به فردی از نسل سوم یمنیها برخورد و او شیفته عکسها و دیگر اسبابی که با خود آورده بودم شد. با هیجانی آشکار به من گفت که بسیار مشتاق است در مورد گذشته‌اش چیز بداند و قلب او برای زادگاه نیاکانش می‌تپد. با این وجود وقتی که خواست جلسهای برای نمایش اسلایدهای من به جامعه یمنیهای مقیم بروکلین ترتیب دهد نتوانست نظر مساعد نسل قدیم‌تر را جلب کند. آنها به گذشته خود دلبستگی نداشتند در حالیکه فرزندان ایشان نومیدانه در جستجوی آن بودند.

مردم جوامع سنتی برای استقبال از تغییرات قطعا "انگیزه‌های نیرومند دارند، مثلاً جهت دستیابی به امکانات بهداشتی و یا غذایی بهتر، و این اصلاحات یقیناً در پی خود دگرگونیهای دیگری را خواهند



صنعا - یمن

آورد. اما اگر بافتهای سنتی برای پاسخگویی به بعضی ضرورت‌های تازه لازم است که تا اندازه‌ای تغییر بیابند، تدابیر کالبدی جدید هم تا می‌توانند باید خود را با الگوهای زندگی سنتی هماهنگ کنند. اما با وجود آنچه که این

پیام آوران تغییر می‌گویند سنت‌ها همچنان تداوم دارند روندهای صنعتی شدن خود توسط ساز و کارهای اجتماعی پیش صنعتی تعدیل شده‌اند. بسیاری از ناظران، از جمله کارل مارکس، معتقد بودند که هندوستان قبل از ورود به دنیای نو مجبور است نظام کاست را بشکند ولی همچنان که نویسندگان کتاب نو شدن سنت‌ها ذکر کرده‌اند، تلاش سیصد و پنجاه ساله انگلستان برای حذف نظام کاست به نتیجه‌ای نرسید و با این حال هندوستان وارد دوران صنعتی شد. آنها خاطر نشان می‌کنند که در واقع ساخت کاست با تجزیه هندوستان به طبقات اجتماعی مشخص و دارای سوابق و منافع مشترک به فرایند مزبور یاری رسانید.

ژاپن به دلیل رشد صنعتی فوق العاده‌اش پس از جنگ غالباً یکی از غربی‌ترین کشورها به حساب می‌آید، و ما به وسیله آن تلویحا بر موفقیت ارزشهای غربی خود تاکید می‌کنیم، حال آنکه از جهتی در آمدن موفقیت آمیز ژاپن به دنیای نو با استمرار سنت کاملاً ژاپنی آن تسهیل شد. صنعت ژاپن به این سنت همچنان ممتاز است. اطاعت و کار جمعی که صفتهای شاخص کارگر امروز ژاپن هستند در روزگار فئودالی آن سرچشمه دارند. در آن موقع ارباب ژاپنی در ازای وفاداری کامل متعلقانش نسبت به وی آنان را

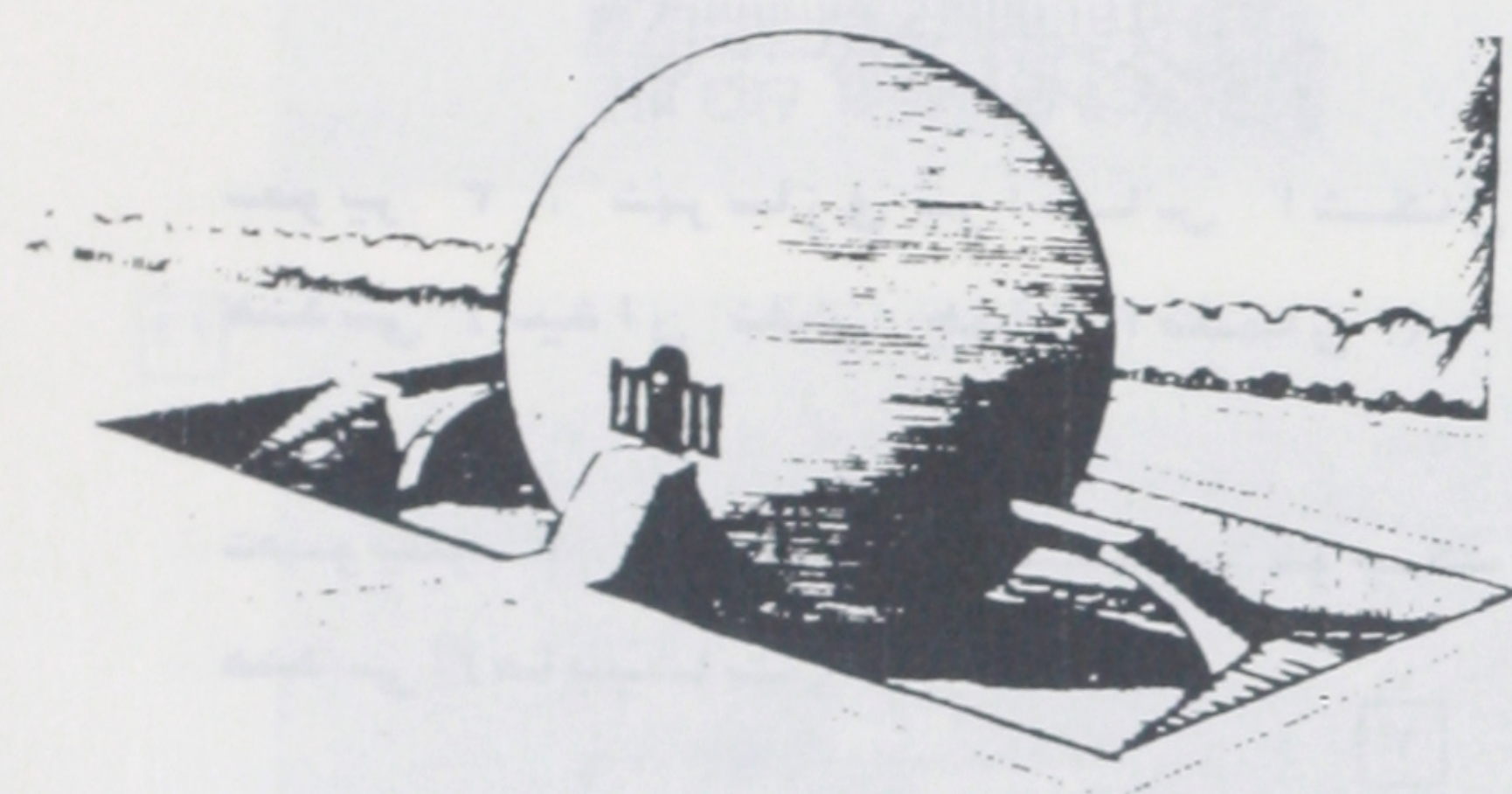


تصویر ۱ : شکل و حرکت چشم فردی

تصویر ۲ : معماری براساس اجسام افلاطونی

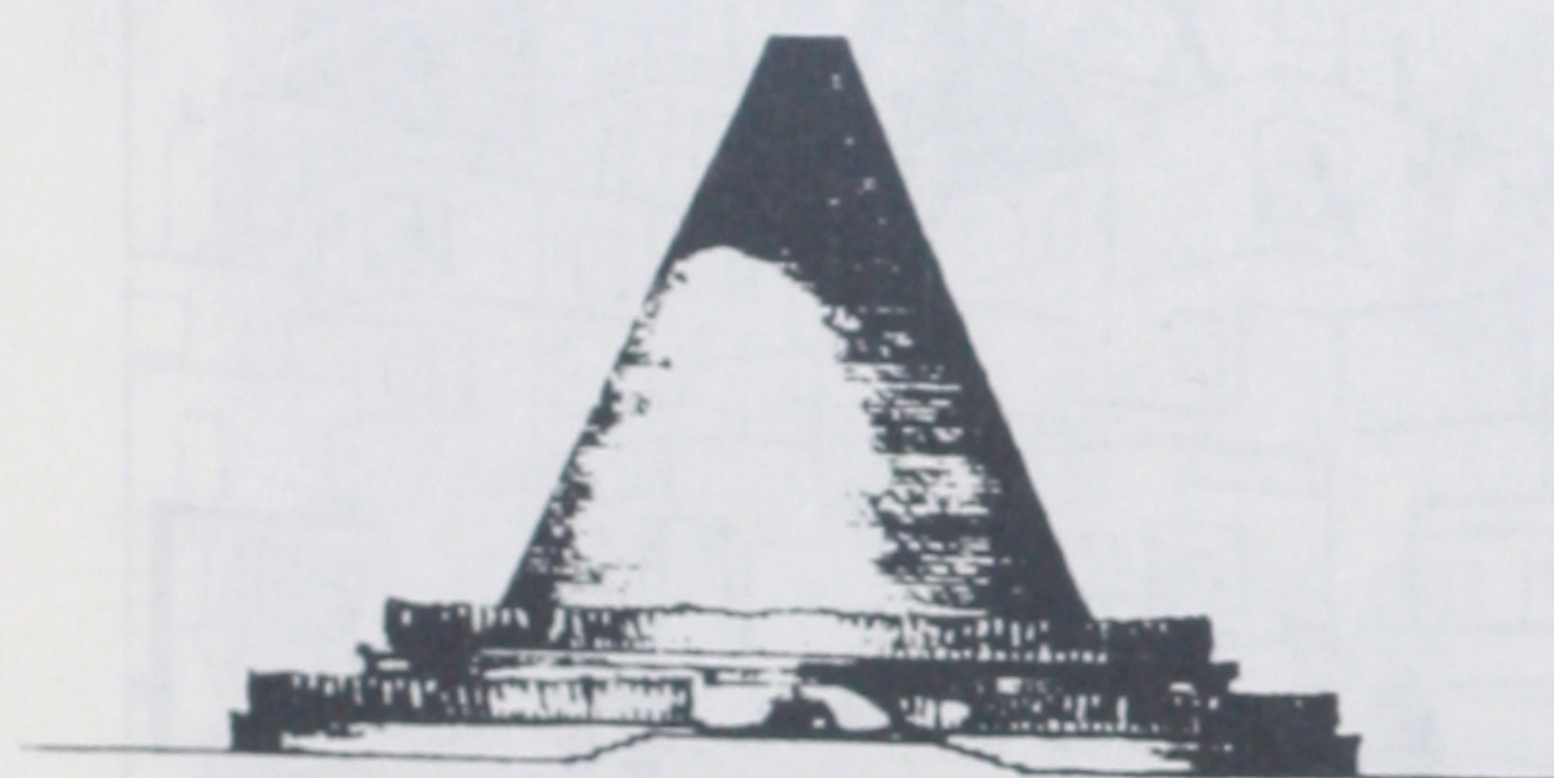
و کسالت می‌شود . آری چشم و ذهن به محرکهای کافی مخصوصاً " عوامل تمییز کننده نیز احتیاج دارند . برای جلوگیری از یکنواختی از طراحی پیچیده استفاده می‌شود . طراحی پیچیده به آن طراحی گفته می‌شود که معمولاً " نقاط جاذب آن متعدد می‌گردد و تعدد نقاط جاذب با تمایز منطقی، کنجکاوی را برمی‌انگیزد و ذهن را به فعالیت بیشتر وامی‌دارد . در معماری برای بیان تصویری فرم پیچیده از ترکیب و استحاله فرمهای غیر هندسی نامنظم و حتی ادغام اجسام کوچک هندسی با یکدیگر در یک جسم استفاده می‌شود تصویر (۴) . در شهرسازی معمولاً " با ایجاد انتظامی پر تنوع و متمایز یا بافتی ارگانیک و غیر هندسی منظور پیچیدگی برآورده می‌شود تصویر (۵) . یکی از ترفندهای طراحی جهت ایجاد پدیده پیچیده ابداع و جانمایی

ساده از اشکال اولیه هندسی مانند مثلث ، مربع ، دایره و از اجسام افلاطونی مثل مکعب ، استوانه ، هرم ، مخروط و کره و ... استفاده می‌شود تصویر (۲) . در شهرسازی ایجاد انتظامی مشخص و انضباطی محسوس بر مبنای اشکال اولیه هندسی این قصد را برآورده می‌کند تصویر (۳) . در این انتظام بزرگی و کوچکی اجسام ترکیب شده اهمیتی ندارد ، زیرا آنها جزئی از یک کل بزرگتر هستند . یکی از روشهای دیرینه ایجاد تعادل بصری ایجاد " سادگی " با ترفند قرینه سازی است . حذف ریزه کاریها و جزئیات کم اهمیتیت و درجه دوم نیز به سادگی کمک شایانی می‌کند . بدیهی است که استفاده از عناصر و ترفندهای فوق در صورت عدم مهارت طراح می‌تواند خطر یکنواختی را بدنبال داشته باشد و خطر یکنواختی موجب رخوت ذهنی



پروژه برای کشاورزی : لودو

۲



مقبره سرباز کمنام : اتین لوئی پولی